

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۰۶	تاریخ	۱۴۰۴/۰۸/۰۸
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج					
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح					
عنوان ۳	شرایط صحت نکاح					
عنوان ۴	شرط بلوغ					
عنوان ۵	فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین					
عنوان ۶	خیانت نظام لیبرالی و تمدن غرب به نهاد خانواده					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به ادامه بررسی فقهی ولایت پدر و جد بر فرزندان صغیر در امر ازدواج می پردازد و به نقد تأثیرات تمدن لیبرال غربی بر نهاد خانواده می پردازد. استدلال اصلی این است که فرهنگ غربی با ناپسند جلوه دادن ازدواج و ترویج بی بندوباری، به نظام خانواده آسیب زده است. در این راستا، از قوانینی که ازدواج نوجوانان را محدود می کنند اما روابط نامشروع را نادیده می گیرند، انتقاد شده و این رویکرد، حاصل کارشناسی های نادرستی دانسته می شود که به جمعیت، اقتصاد و فرهنگ کشور لطمه وارد کرده است.

در پایان، خواستار بازگشت به احکام اصیل اسلام و پرهیز از تحریف دین برای توجیه الگوهای غربی است. همچنین تأکید می شود که حوزه های علمیه در تبیین احکام اسلامی کوتاهی نکرده اند و مشکل اصلی در عدم به کارگیری این احکام در جامعه است.

درآمد بحث

بحث در فقه خانواده، پیرامون ولایت پدر و جد بر صغیرین بود. گفتیم که روایات متعدد صحیحی ای در این زمینه وجود دارد که پدر بر صغیر و صغیره، ولایت داشته و می تواند او را در زمان صغر به ازدواج دیگری درآورد؛ یعنی اگر پسر باشد، می تواند برای او همسر اختیار کند و اگر دختر باشد، ولایت دارد که او را به عقد دیگری درآورد. ازدواج، امری دهشتناک نیست.

خیانت نظام لیبرالی و تمدن غرب به نهاد خانواده

یکی از خیانت‌های تمدن غربی و لیبرالیستی، این است که ازدواج را در اذهان، ناپسند و بی‌بندوباری را زیبا جلوه داده‌اند. اگر پسری با دختری دوست شود و این دو مرتکب هر خطایی شوند، عاری از اشکال است؛ اما اگر همین دختر و پسر بخواهند با یکدیگر ازدواج موقت کنند و ارتباطی مشروط، منضبط و تحت ضابطه را آغاز نمایند، آن را با عناوینی چون «صیغه شدن» و «صیغه کردن» به سخره می‌گیرند؛ حال آنکه صیغه به معنای عقد قرارداد و ارتباطی نظام مند و در چارچوب قانون است. کجای این امر، در برابر بی‌بندوباری‌ها و ارتباطات نامنظم، خارج از قانون و فاقد اعتبار، ناپسند است؟

مراد ما از «بچه»، کسی است که در حدی باشد که اعمال خود را درک کند. چه اشکالی دارد اگر دختر و پسری در میان بستگان یا همسایگان، بخواهند از کودکی با یکدیگر ارتباطی مشروع داشته باشند یا اساساً از همان دوران کودکی با هم انس بگیرند تا وقتی به سن بلوغ رسیدند، زن و شوهر زندگی یکدیگر گردند و برای این منظور، عقد قراردادی منعقد کنند؟ این امر، صرفاً قراردادی است که بسته می‌شود؛ آیا مقصود آن است که در نه یا ده سالگی، زن و شوهر هم باشند؟ باید عقل را به کار گیریم. باید تبیین کنیم که با این کشور چه کرده‌اند تا احکام شرعی را این چنین وارونه جلوه دادند. چرا چنین کردید؟ کجای شرع گفته است که اگر دختری چهارده ساله بود، نمی‌تواند ازدواج کند یا اگر پسری پانزده ساله بود، اجازه ازدواج ندارد؟

زمانی شنیدم که به دختری که ازدواج می‌کند، اجازه ورود به دبیرستان داده نمی‌شود؛ درحالی‌که منبع و منشأ چنین تصمیماتی روشن نیست و در دین، کتاب و سنت، اثری از آنها یافت نمی‌شود؛ اما هر خلاف و خطایی هم که دختر و پسر در قالب دوستی‌های امروزی مرتکب می‌شوند، هیچ اشکالی ندارد؛ ولی همین افراد اگر قصد ازدواج با یکدیگر را داشته باشند، با محدودیت مواجه می‌شوند. کسانی که چنین قوانینی وضع می‌کنند، مدعی کارشناس بودن دارند؛ اما همین کارشناسی شما بود که جامعه امروز ما را از منظر جمعیت، به جامعه‌ای تحدید شده بدل کرد و اقتصاد کشور ما را به اینجا کشانید که امروز شاهد آن هستیم. این کارشناسی شما بود که حیل بانکی را به راه انداختید و گردن حکم الهی را کج کردید تا آنچه از سوی غربی‌ها به عنوان «بانک» شناخته و شناسانده شده، محقق گردد، اما رنگ و لعابی دینی داشته باشد. در زمینه فرهنگ نیز همین کار را کردند و اعمال خلاف را به گونه‌ای توجیه نمودید که وجهه‌ای شرعی بیابد. این سخن را عرض می‌کنم و معتقدم که همگان، به ویژه حوزویان عزیز و بزرگوار ما، باید یاری کنند تا به احکام اسلام بازگردیم و کاری نکنیم که با رنگ و لعاب دینی بخشیدن به خواسته‌های خود و با توجیه‌های نامشروع، احکام اسلامی را منحرف سازیم. خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۱

در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب [خدا]، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید [آنچه را می خوانند،] از کتاب [خدا] است؛ درحالی که از کتاب [خدا] نیست! [و با صراحت] می گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می بندند درحالی که می دانند!

«لَيِّ لِسَانٍ» به این معناست که زبان را به گونه ای بگردانند که هر شنونده ای، گمان برد که آنچه می شنود، از قرآن است.

ما نیز باید از این شیوه، دوری گزینیم. به احکام اسلام بازگردید. حوزه ها در انجام وظیفه خود مبنی بر ارائه حکم اسلامی در زمینه نظام اقتصادی، نظام سیاسی، فقه خانواده، فقه عمران شهری و هر فقهی که به زندگی مردم مربوط می شود، تقصیری ندارند و کوتاهی نکرده اند. هرچه بخواهید، در اینجا مهیاست؛ ولی گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب خانه چیست؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین